

ARRIBA LAS
QUE LUCHAN!



مانیفست فمینیست فرامرزی

برای خروج از پاندمی با هم و تغییر سیستم

ما به حالت عادی بازمی‌گردیم چون مشکل، همان بودن در حالت عادی است: جنبش فمینیستی جهانی و ترنس فمینیستی، در رویارویی با این بحران جهانی جدید سلامت، اقتصاد، غذا و محیط زیست، تسلیم قرنطینه نخواهد شد و در مواجهه با تدابیر محدود کننده‌ای که در سرزمین‌هایمان برای مقابله با ویروس کرونا صورت گرفته است، مبارزات خود را فرو نمی‌نشانند. در سراسر جهان، زنان و افراد LGBTQ* در برابر اشکال مختلف خشونت که به واسطه این پاندمی وخیم‌تر شده‌اند، سر تسلیم فرود نمی‌آورند و با بهم پیوستن مسلک‌های شورشی خود که از قدرت اعتصابات فمینیستی جهانی در سال‌های اخیر تغذیه شدند، شروع به متشکل شدن کرده‌اند.


این بحران سبب فاش شدن خشونت، سلسله‌مراتب و ریشه‌های ساختاری ستم، استثمار و نابرابری سرمایه‌دارانه‌ی پدرسالار استعماری که همواره علیه آن‌ها مبارزه کرده‌ایم و خواهیم کرد، شده و آن‌ها را تشدید کرده است. دقیقاً از همین تنش‌ها و شکاف‌های ایجادشده توسط این بحران است که اشکال جدید همبستگی و مقاومتی که به آن‌ها تعلق داریم پدیدار می‌شوند. این‌ها اشکال مقاومتی هستند که می‌خواهیم به آن‌ها بپیوندیم و با صدای جمعی خود در جهان طنین‌اندازشان کنیم تا بتوانیم با تصریح دانش و عمل فمینیستی، ترنس فمینیستی و ضد پدرسالاری، با یکدیگر از قرنطینه خارج شویم و پارادایم‌های سلطه‌گر را تضعیف کنیم.

ویروس کرونا بر همه ما تأثیر می‌گذارد اما تأثیرات این پاندمی متفاوت هستند، به خصوص اگر از دیدی فرامرزی که از جایگاه خود به عنوان زنان و افراد LGBTQ* آغاز می‌شود، به آن نگاه کنیم.

به ما گفتند در خانه بمانید، بدون این که در نظر بگیرند خانه برای بسیاری از ما مکان امنی نیست و افرادی وجود دارند که بی‌خانمان هستند. با شروع این بحران زن‌گش‌ها و خشونت علیه زنان و افراد LGBTQ* در حال افزایش بوده و تدابیر قرنطینه باعث شده که شورش علیه خشونت مردان و خشونت جنسیتی و نیز دفاع از مطالبات آزادی و خودمختاری دشوارتر بشود.

این بحران شرایط مادی مختلف بازتولید را مورد حمله قرار می‌دهد؛ {شرایطی} که کار تولیدی و بازتولیدی زنان و افراد LGBTQ* را تشدید کرده و آن را بی‌ثبات‌تر می‌سازد؛ در حالی که این امر پیش از این هم پنهان بوده و آنان همیشه استثمار شده‌اند، اکنون {به میانجی این بحران} تنها ضرورتش آشکار شده و این نکته را که ما دارای مرکزیت سیاسی هستیم (موضوعی که همواره هم مطالبه‌اش کرده‌ایم) روشن ساخته است.





از یک سو، نظام پدرسالاری **مراقبت** از آسیب‌پذیرترین افراد یعنی مسن‌ترها و کودکان را بر عهده زنان می‌گذارد و بار کار خانگی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، بسیاری از زنان از جمله پرستاران، پزشکان، مستخدمان، صندوق‌داران، کارگران و داروسازان باید در خط مقدم این وضعیت اضطراری باشند و در شرایطی که برای سلامتی خودشان خطرناک است برای ساعت‌هایی طولانی و اغلب با دستمزدهای ناچیز کار کنند.

کار خانگی و مراقبت همانند بسیاری دیگر از مشاغل بی‌ثبات و غیررسمی، اغلب توسط **زنان مهاجر**، **آفریقایی‌تبار**، **سیاه‌پوست** یا **بومی** انجام می‌شود که در حال حاضر نه تنها بدون این که امکان تأمین خودشان و پرداخت هزینه‌های درمان را داشته باشند اخراج شده‌اند، بلکه اجازه اقامت دریافت نکرده‌اند، {و} در مقابل حملات نژادپرستانه آسیب‌پذیرتر شده‌اند؛ {دست آخر} از آنجایی که {آنان} اغلب در پرجمعیت‌ترین و فقیرترین مناطق زندگی می‌کنند بیشتر در معرض خطرات سلامتی و عواقب اقتصادی قرار دارند.

بنابراین، در حالی که از یک سو، زندگی ما در حال فدا شدن برای هموار کردن این بحران است، از سوی دیگر، بدن‌هایی که مولد در نظر گرفته نمی‌شوند، همانند **افراد داری معلولیت**، کاملاً پنهان، متزلزل و بی‌دفاع مانده‌اند.


در **اجتماعات بومیان** و جوامع محلی، زنان در حالی بر شدت کارهای تأمین زندگی و مراقبت از خود می‌افزایند، که همزمان به تولید مواد غذایی مورد نیاز برای تأمین شهرها ادامه می‌دهند. آن‌ها بر نقش محوری خود در بسیج اجتماعی و تولید مواد غذایی و توسعه اقدامات حمایتی متقابل برای مقابله با این پاندمی تأکید می‌کنند.

برخی از کشورها تنها زمانی مرزهای خود را **به روی مهاجران** باز می‌کنند که کار آن‌ها برای تضمین ثبات غذایی در زمان پاندمی ضروری به نظر برسد؛ هم‌زمان با این کشورهای دیگر نه تنها مرزهای خود را به روی مهاجران، بلکه به روی ساکنان خود نیز بسته‌اند و آن‌ها را در کمپ‌های پناهندگان رها کرده و حق سلامت و بازگشت آن‌ها به کشورشان را زیر پا گذاشته‌اند.

تهاجم پدرسالارانه و امپریالیستی در **جبهه‌های متعدد جنگ و سرزمین‌های در حال شورش**، مانند آنچه در حال رخ دادن برای مردم **گُرد** و فلسطین است، جریان دارد. از آنجایی که این امر امکان دریافت درمان کافی را دشوار می‌کند، انقلاب زنان **گُرد** و مبارزه تمام‌زنانی که می‌خواهند از سلطه استعماری و پدرسالار آزاد باشند شدیدتر مورد حمله قرار می‌گیرد.

در حالیکه امروز، بیش از هر زمان دیگری، **زندگی و سلامت به عنوان مسائل اصلی جمعی و سیاسی مطرح می‌شوند**، سال‌هاست سیاست‌های نئولیبرال، تحمیل‌کننده باری از مسئولیت فردی با شدت-های مختلف بوده است: در چندین کشور، سیستم درمان و حمایت اجتماعی کاهش بودجه داشته، هزاران نفر را بدون دارو باقی گذاشته و مجبورشان کرده است تا برای مقابله با عدم حمایت دولت شبکه‌های همبستگی و مراقبت متقابل ایجاد کنند. از طرف دیگر، در سایر کشورها نظام سلامت عمومی





و حمایت اجتماعی هرگز وجود نداشته و با اجرای گسترده ریاضت اقتصادی و برنامه‌های تعدیل و اصلاح، وضعیت بدتر شده است. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، از این بحران برای هرچه بیشتر محدود کردن حقوق باروری و جنسی زنان و افراد LGBTQI* استفاده می‌شود.

از دیدگاهی دیگر، نتولیبالیسم در حال نشان دادن بی‌رحمانه‌ترین چهره خود در **نظامی‌سازی و کنترل مفرط به کمک پلیس** بر محیط‌های شهری و روستایی و سرزمین‌های بومی توسط نیروهای مسلح است که از وضعیت اضطراری و شکنندگی دموکراتیک از پیش موجود دولت‌ها سوءاستفاده می‌کنند تا هر نشانه‌ای از شورش را سرکوب، شبکه‌های همبستگی‌ای که در حال پیدایش هستند را جرم انگاری و سلسله‌مراتب فرماندهی دولت که در حال مستبدتر و سرکوبگرتر شدن است را از خطر حفظ کنند.

در نهایت علاوه بر این مشهودتر هم شده است که به تحت سلطه‌ی نیازهای سرمایه در آوردن تمامی گونه‌های زنده و منابع طبیعی موجب **ویرانی زیست‌محیطی و اکولوژیکی** شده است و ما نباید این امر بپذیریم، {چرا که} این امر به نفع همان عدم تعادل‌هایی تمام می‌شود که باعث گسترش ویروس کرونا شده‌اند. استخراج گسترده منابع طبیعی، تولید غذا به طور صنعتی و در مقیاس بزرگ، کشت تک محصولی و آلاینده‌ها، میلیون‌ها نفر را به بحران غذای جدید و بی‌سابقه‌ای محکوم می‌کند.

این پاندمی ماهیت غیرقابل دفاع ساختار سرمایه‌دارانه، استعماری و پدرسالار جامعه‌مان و بحران از پیش موجود نتولیبالیسم را افشا می‌سازد. تنها هدف مبارزه ما نباید بقایمان در مواجهه با این بیماری مسری باشد، بلکه باید برای عواقب سهمگینی که این پاندمی برای شرایط اقتصادی و مادی ما خواهد داشت نیز راه‌حلی پیدا کند.

ما معتقدیم که پاسخ دولت‌ها کاملاً ناکافی است و همه سیاست‌هایی که به جای خدمات درمانی به تأمین مالی شرکت‌ها ادامه می‌دهند و از این پاندمی برای تحکیم پروژه‌های استخراجی سوءاستفاده می‌کنند را رد می‌کنیم. اگر چه اقدامات دولت یکسان نیستند، اما **واکنش سرمایه‌دارانه به بحران از منطق مشابهی در همه جای جهان پیروی می‌کند:** اولویت قرار دادن سود نسبت به زندگی‌های ما، خالی کردن بار هزینه‌های این بحران بر دوش ما و برجا گذاشتن اثراتی که موقتی نخواهند بود. ما نمی‌خواهیم با بدهی و فقر بیشتر از این «وضعیت اضطراری» خارج شویم! **ما یک راه فمینیستی فرا-مرزی برای خروج از این بحران می‌خواهیم، تا به حالتی عادی که با نابرابری و خشونت، ساختار یافته است، بازنگردیم.**

در هر محله کارگری، مردم متشکل می‌شوند تا اعتراض کنند و افزایش **زن‌گشی و خشونت خانگی** را محکوم سازند. در سراسر جهان **کارگران خانگی** فقدان شدید امنیت و نداشتن حقوقشان را محکوم می‌سازند. **پرستاران و پزشکان** به عدم وجود تجهیزات حفاظتی اعتراض دارند و اعلام می‌کنند که زندگی‌شان قابل صرف‌نظر کردن نیست. هزاران **کارگر {در} انبارها و کارخانه‌ها** دست به اعتصاب می‌زنند {و از این منطق} که سلامتی خود را فدای سود شرکت کنند، سرباز می‌زنند. **زنان بومی** در جوامع خود به مبارزه با اجرای پروژه‌های استخراجی و خصوصی‌سازی زمین‌ها و منابع جامعه ادامه





می‌دهند. در همه زندان‌ها، **بازداشت‌شدگان** شرایط غیر انسانی زندان در مجموعه‌ی به شدت نژادپرستانه نظامی-صنعتی را محکوم می‌کنند. همه جا، **مردم سیاه‌پوست و آفریقایی‌تبار**، نژادپرستی نهادی در مدیریت این پاندمی را محکوم و مهاجران ویزاهای خود را مطالبه می‌کنند تا دیگر در معرض شرایطی که استثمار و خشونت را تشدید می‌کند، قرار نگیرند. **کارگران جنسی** همچنان خواستار جرم‌زدایی از شغل خود هستند تا دیگر محروم از ضربه‌گیرهای اجتماعی نشوند و از سوی سیستم سرمایه‌دارانه‌ی استعماری پدرسالار برچسب اجتماعی {مطرود کننده} نخورند. در روز آوا، **زنان گُرد** در بحبوحه مقاومتی تاریخی در برابر جنگ، با تقویت خودسازماندهی کنفدرال‌شان و سلامت جامعه و شبکه‌های اقتصادی خودگردان و اکولوژیکی به این پاندمی پاسخ می‌دهند.

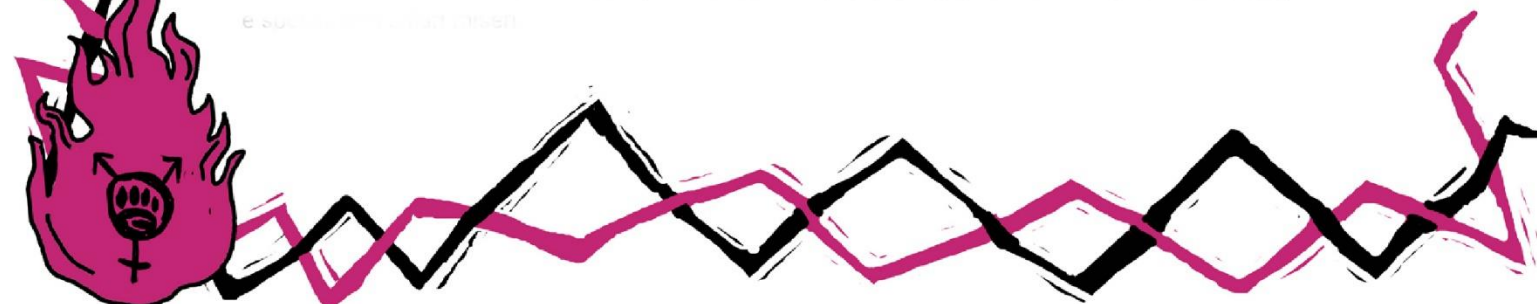
با داشتن شرایط مادی مختلف، زبان‌های متفاوت، و مسلک و گفتمان‌های گوناگون، برای **حمایت، تقویت و درهم آمیختن مبارزات و اشکال شورش و همبستگی‌مان** مانند آن‌هایی که خودبه‌خود در جهان در حال پیدایش هستند و برای ارتقای نوآوری آینده‌مان نقش عمده‌ای برعهده دارند، با یکدیگر متحد می‌شویم. آنچه **اعتصاب فمینیستی جهانی** در طول چهار سال گذشته به ما آموخته، این است که وقتی متحد هستیم، قدرت بیشتری برای شورش علیه «حالت» {به اصطلاح} عادی» پدرسالار و سرکوبگر داریم. اکنون بیش از هر زمان دیگری، باید با هزاران صدای خود در سمت و سوی یکسان فریاد بزنیم تا جلوی جداسازی تحمیلی این پاندمی به خود را بگیریم. در لحظه کنونی، نمی‌توانیم در خیابان‌ها با قدرت فمینیستی خود طغیان کنیم، اما همچنان با خشم علیه خشونت سیستمی که ما را مورد استثمار و ستم قرار می‌دهد و می‌گذرد، فریاد می‌زنیم و به محکوم کردن گناهکاران ادامه می‌دهیم تا **بار دیگر که در خطوط مقدم به خیابان‌ها بازمی‌گردیم تعدادمان بیشتر هم باشد.**

ما به این **فرآیند آزادی‌بخشی فمینیستی فرامرزی‌ای** که در حال ساختنش هستیم ادامه می‌دهیم. ما به جنگیدن برای ساختن زندگی دلخواهمان که آرزویش را داریم، ادامه می‌دهیم.

ما از همه کسانی که خشونت پدرسالار، استثمارگرانه، استعماری و نژادپرستانه را رد می‌کنند می‌خواهیم که با یکدیگر بسیج و متحد شویم تا مبارزه فمینیستی جهانی را غنی و تقویت کنیم، **زیرا اگر متحد شویم نه تنها می‌توانیم از این پاندمی خارج شویم، بلکه می‌توانیم همه چیز را تغییر دهیم.**

زنده باد زنان و خلقی که مبارزه می‌کنند!

فمینیست‌های فرامرزی



اینجا فضای فمینیستی، ترنس فمینیستی و ضد پدرسالاری در حال گسترشی است و از شما دعوت می‌کنیم تا به ما بپیوندید و اگر می‌خواهید بخشی از آن باشید با ما ارتباط برقرار کنید.

ALAMES (اکوادور)

Associació stop violències (آندورا)

Bibi Ni una menos - Soriano (اوروگوئه)

Cabildo de mujeres (اکوادور)

Creando Juntas (اکوادور)

Coordinadora Feminista AM (شیلی)

Democracia Socialista (آرژانتین)

Desmadres (اوروگوئه)

Disidentes Violetas (اکوادور)

Feministas Autónomas (بولیوی)

Feministas con voz de maíz (مکزیک)

Feministas en Holanda (هلند)

Grupos Regionales de la Red para una Huelga Feminista en Alemania (اشتوتگارت، برلین، آکسبورگ،

فرانکفورت/ماین، «با هم می‌جنگیم»، لایپزیگ)

International Women's Strike (ایالات متحده)

Luna Creciente (اکوادور)

Minervas (اوروگوئه)

Movimiento de Mujeres de Kurdistan

en America Latina (کردستان)

Nina Warmi (اکوادور)

Ni Una Menos (آرژانتین)

Non Una Di Meno (ایتالیا)

Opinión Socialista (آرژانتین)

Parlamento Plurinacional de Mujeres y

Feministas (اکوادور)

Radical Women/Mujeres Radicals

(استرالیا و ایالات متحده)

Red de feminismo populares y desde abajo

(اوروگوئه)

Revista Amazonas (اکوادور)

Toutes en Grève (فرانسه)

